



## رنگ آمیزی صانع

قبل از شروع بحث لازم است مقدمه‌ای را ذکر کنیم تا در تبیین و توضیح سخن توفیق بیشتری حاصل گردد.

هنگامی که ما در جهان تکوین مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم پروردگار هستی همه موجودات را دارای رنگ خاصی قرار داده است. قرآن نیز یکی از مهمترین صفات پروردگار را رنگ آمیزی او می‌شمارد:

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»<sup>۱</sup>

ترجمه: رنگ آمیزی خداست که بما (مسلمانان) رنگ فطرت ایمان و سیرت توحیدی بخشیده است و هیچ رنگی خوشتر از رنگ ایمان به خدای یکتا نیست.

تمام موجودات و اجسامی که رنگ بردار هستند، به چهار دسته اساسی تقسیم می‌شوند: جمادات، نباتات، حیوانات و انسان، که در این تقسیم بندی انسان میتواند بالاترین مقام را خائز گردد. خداوند برای تمام این موجودات رنگهای مختلف قرار داده است. جمادات دارای الوان مختلف هستند، نباتات رنگهای گوناگونی دارند و حیوانات و انسان نیز از این رنگ آمیزی مستثنی نیستند.

قرآن مجید با تصریح بر این مطلب می‌خواهد انسان را متوجه سازد که رنگ آمیزی صانع مسئله‌ای مهم و قابل

# اخلاق اسلامی

آیه الله مشکینی

تأمل است که می‌توان از آن طریق به عظمت و کبریایی خالق پی برد.

بدین آیه توجه فرمایید: «الم تر انزل الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلفا الوانها ومن الجبال جدد وبیض وحممر مختلف الوانها و غرایب سود»<sup>۲</sup>

ترجمه: آیا ندیدی که خداوند باران را از آسمان فرود آورد و به آن انواع میوه‌های گوناگون و رنگارنگ پدید آورد و در زمین از کنوئها طرق زیاد و اصناف و رنگهای مختلف سفید، سرخ و سیاه خلق فرمود؟

به کوهها و جاده‌هایی که در آنها بیدیدار می‌شود توجه کنید، رنگ کوهها را نیز ببینید، آنگاه به جمادات بنگرید و به رنگ آمیزی ما آگاه گردید.

اختلاف رنگ موجودات چنان دارای اهمیت است که خداوند آنرا از نشانه‌های خویش می‌شمارد:

«ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف الستمکم والوانکم»<sup>۳</sup>

ترجمه: از نشانه‌های خداوند خلقت آسمانها و زمین و اختلاف زبانها و رنگهای شماست.

در بیان اقسام موجودات رنگ پذیر نیز می‌فرماید:

«ومن الناس والدواب والانعام مختلف الوانه»<sup>۴</sup> ترجمه: و خداوند، انسان و جنبندگان و حیوانات را نیز به رنگهای مختلف آفرید.

حیوانات صحرائی، دریایی و هوایی

همه و همه دارای رنگهای خاص و گوناگون هستند. اختلاف رنگ انسانها نیز اعم از سفیدپوستها، سرخپوستها، سیاهپوستها و زردپوستها از آیات خداوند، و رنگ آمیزی اوست.

در مقدمه‌ای که گذشت از تمامی آیات استفاده میشود که یکی از شگفتیهای صنع خداوند در عالم امکان و تکوین، رنگ آمیزی اوست. اما نحوه دیگری از رنگ آمیزی نیز وجود دارد که از موارد یاد شده، مهم‌تر و دقیق‌تر است و آیات شریفه قرآن نیز دلالت بسیاری بر آن داشته و هدف عمده ما نیز توجه به آن است.

هنگامی که خداوند در سوره مبارکه بقره احوال مؤمنین و کفار را بیان می‌کند، می‌فرماید: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً».

مؤمن کسی است که قلبش به سوی حق متوجه شده و آنگاه یکسره تسلیم خداوند گردد. «صِبْغَةَ اللَّهِ» یعنی «صبغتا الله صبغه».

ایمانی که در روح ماست، رنگی است که خداوند آن را به روح ما عنایت فرموده است. این معنا یکی از مهمترین معانی «صِبْغَةَ اللَّهِ» است که باید مورد توجه واقع شود. وقتی انسان در مقابل دو راهی ایمان و کفر واقع می‌شود مؤمنین می‌گویند: «صبغتا الله صبغه و من احسن من الله صبغه» یعنی: خداوند ما را رنگ آمیزی کرده و به روح و روان ما رنگ ایمان داده است و دل و جان ما را از رنگ کفر محفوظ داشته است و کیست که بهتر از خدا رنگ آمیزی نموده و روان را به رنگ ایمان مزین نماید؟

البته توجه به این نکته نیز لحاظ اهمیت است که خداوند رنگ آمیزی ایمانی افراد را به خود ایشان واگذار کرده و تا زمانی که جسم خاکی افراد حجاب روح و روان آنان است، این رنگ، روشن و آشکار نمی‌شود. لسان الغیب، حافظ در این ارتباط می‌گوید:

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم  
خوشادمی که از این چهره برده برفکنم  
یعنی بدن من غباری است که بر  
چهره جانم نشسته است و من در آرزوی

روزی هستم که بتوانم این غبار را از چهره جان و روانم بزایم و این لباس کثیف را از آن مُلْتَمِس نورانی بدر آورم و به سوی عالم برتر حرکت کنم.

پس رنگ خاصی که روح انسان دارد «صبغة الله» است و آن بهترین رنگهاست و آنگاه این رنگ ظاهر می‌شود که لباس جسم را از پیکر روح خارج ساخته و به سوی آخرت پرواز کنیم، آنجاست که رنگ و قیافه و صورت اصلی انسانها روشن و مشخص می‌شود «رب نفس خاسية فی الدنيا عالیه فی الآخرة ورب نفس عالیه فی الدنيا خاسية فی الآخرة». چه بسا انسانهایی که در این دنیا بهترین قیافه‌ها را دارند ولی پس از مرگ به کثیف‌ترین و وحشتناک‌ترین صورت‌ها تغییر شکل می‌یابند و باز چه بسا افرادی که در دنیا از صورت زیبای ظاهر بهره‌ای ندارند ولی در آخرت به بهترین صورت جلوه خواهند نمود.

از این روست که اگر انسان بخواهد

**\* امام صادق علیه السلام فرمودند: پرهیزگارترین مردم کسی است که معاصی را ترک نماید و عابدترین آنان کسی است که به واجبات عمل کند و زاهدترین افراد کسی است که به دنیا بی رغبت باشد.**

چهره روح خویش را زیبا سازد، باید بکوشد که منتسب به اوصاف حمیده شده و شرایط لازم را برای پرورش کمالات در خانه روح خویش فراهم آورد تا هنگامی که ترک این دنیا که همچون زندانی مؤمن را در برگرفته است، برگشوده و به ملکوت اعلی بیوندد و لذا می‌بینید هنگامی که مرگ مؤمنین فرا می‌رسد، شاد و خندان هستند اما چون ایمان ما ناقص است از مرگ می‌هراسیم. اگر روزی درب زندان را در مقابل کسی که محکوم به

حس ابد است باز کنند و به او بگویند بفرمایید، شما آزاد هستید، او چقدر خوشحال می‌شود؟ اگر ما دارای ایمانی کامل بودیم، باید در مقابل مرگ چنین عکس‌العملی نشان می‌دادیم. علت این است که ما برای عالم آخرت کاری نکرده و توشه‌ای بر نداشته‌ایم که مرگ را ابتدای راحتی و اول سعادت خود بشماریم.

ما همانند مرغی هستیم که در قفس محبوس شده و قفس او را در صحرایی پر از حیوانات وحشی قرار داده‌اند. بدیهی است اگر قفس بشکند، در چنگال حیوانات درنده گرفتار خواهیم شد و ما را قطعه قطعه خواهند کرد. ما می‌دانیم که اگر این قفس تن بشکند و مرگ ما فرا برسد، در مقابل گناهان، خیانت‌ها و جنایت‌هایی که انجام داده‌ایم، هزاران فرشته الهی و همچنین ارواحی که از ما آسیب دیده‌اند به سراغ ما خواهند آمد و ما گرفتار خواهیم شد. از این رو از شنیدن نام مرگ وحشت داریم و گرنه مرغی که در قفسی در میان باغ و سیمی گرفتار شده است، هر لحظه می‌بیند که اگر قفس بشکند، او پرواز خواهد کرد و در اوج باغ با مرغان دیگر هم‌آواز خواهد شد و به آرزوی خود خواهد رسید. این مرغ پیوسته مترصد این است که این قفس بشکند و او پرواز کند و رهایی یابد.

اگر انسان اینچنین باشد، دیگر مرگ را کابوسی وحشتناک نمی‌پندارد و از آن نمی‌گریزد. به جمله‌ای که مولای متقیان امیرمؤمنان در این ارتباط بیان فرموده است توجه کنید:

«والله ابن ابیطالب انس بالموت من الطفل یتدی امه» ترجمه: بخدا قسم انس و علاقه علی ابن ابیطالب به مرگ از علاقه طفل به پستان مادرش بیشتر است.

بیان این سخن کار هرکسی نیست و نظیر امیرمؤمنان نباید این سخن را بگوید.

دوستان عزیز، بکوشید از کسانی باشید که با شنیدن نام مرگ مسئله نجات از زندان در ذهن شما تداعی شود و به گونه‌ای خودسازی کنید که

اگر مرگ به سراغ شما آمد، شاد و خوشحال شوید و این میسر نیست مگر اینکه روح خویش را قوی و مطمئن ساخته و اعمال خویش را زیبا و نیکو کنید.

قال الصادق علیه السلام: «فوالله لیس بینکم و بین ان ترون ما توعدون الا الموت» ترجمه: به حقیقت سوگند میان شما و دیدن آنچه که ما جزئیات آن را در عالم برزخ و قیامت بر شما می شماریم جز ذریجهٔ مرگ چیزی حائل نیست و هنگامی که این دریجه باز شود همه وعده هایی که ما به شما داده بودیم تحقق می یابد.

روزی امام کاظم علیه السلام از قبرستانی عبور می کرد، دید عده ای جمع شده و مشغول کندن قبری هستند. آن گروه گودالی را به اندازه قامت انسانی حفر کرده و قسمتی از خاک را نیز در قسمت بالای قبر جمع کردند تا صورت میت را بر روی آن بگذارند. حضرت با دقت نگاه کرده و پس از تأملی فرمود: «والله عمری که به اینجا ختم می شود ارزش انجام یک گناه را هم ندارد».

عزیزان من، برای دنیایی که عاقبت به قبر منتهی می شود ارزش قائل نشوید و بدانید اگر ارزشی برای این جهان قائل شدید، خود بی ارزش می شوید و عظمت و اهمیت و جلال شما در نزد پروردگاره همان میزانی است که دنیا در نظر شما بی ارزش باشد. هر چه دنیا در نظر شما کوچکتر باشد، شما در پیشگاه خداوند بزرگترید.

امیر مؤمنان در ضمن حدیثی، ما را برادر ایمانی خویش می خواند و چه بسا اگر ما این مطالب را متوجه شویم و با دقت بدانها عمل نماییم مقاممان از مقام صحابه امیرالمؤمنین کمتر نباشد.

**\* اگر انسان بخواهد چهره روح خویش را زیبا سازد، باید بکوشد که منتسب به صفات حمیده شده و شرایط لازم را برای پرورش کمالات در خانه روح خویش فراهم آورد.**

در حدیث دیگر امام معصوم می فرماید: «والله نحن صابرون و شیعتنا اصبر منا لا یرون الا سواد علی یاض» ترجمه: قسم به خدا ما صبوریم ولی شیعیان ما از ما صبورتر و بردبارترند. زیرا آنان جز نقطه سیاهی بر صفحه سفید چیزی نمی بینند (کنایه از اینکه به کینه امور آشنایی ندارند).

اگر تمام این کره خاکی را در مقابل ترک یک عمل استحبایی به شما بدهند و الله ارزش ندارد. بکوشید در مسیر زندگی خود با داشتن تقوی و رعایت موازین اسلامی به مهمترین هدف خلقت که تقرب عندالله است نایل شوید و رسیدن به چنین هدفی مرهون این است که برای مهمترین پست ها و ثروتها و سایر شئون دنیایی به اندازه پیشیزی ارزش قائل نباشید.

امام حسن مجتبی در حدیثی افراد متقی و خالص العمل را مورد اشاره قرار داده و

**\* رنگ آمیزی خداست که به ما مسلمانان رنگ فطرت ایمان و سیرت توحید بخشیده و هیچ رنگی خوشتر از ایمان به خدای یکتا نیست.**

پستی دنیا را چنین ترسیم می کنند: «فوالله لو جمعت الدنيا لقیمة واحدا والهمتها فی قم من بعد الله مخلصا لرایت انی مقصر فی حقه». ترجمه: بخدا قسم اگر همه دنیا را یک لقمه کنم و در دهان کسی بگذارم که بسوی خدا می رود، او را اطاعت می کند و عمل خالص دارد، و الله من در حق او کوتاهی نموده و مقصرم.

این ارزش دنیاست در مقابل کسی که خداوند روح او را به رنگ ایمان ملون ساخته است. «صبغة الله»، رنگی است که روح انسان در عالم دیگر با این رنگ نمایان می شود و قیافه روح ما در جهان آخرت همان چهره ای است که ما خود در این جهان ساخته و پرداخته ایم.

اگر شما می خواهید مقام مرحوم شیخ مفید و یا شیخ طوسی رجه الله علیهما را کسب کنید، نهضتی در دنیا ایجاد کنید و

ملتی را به راه حق هدایت نموده و افکاری را از انحراف نجات دهید، برای رسیدن به این مقامات عالی تحمل بزرگترین مجاهدتها نیز لازم است.

پرهیز از گناه، چهره روح انسان را زیبا و منور می سازد و انجام گناهان روح انسان را آلوده نموده و انسان را از مقام شامخ انسانیت ساقط می کند.

با اندکی توجه به حدیثی که امام صادق علیه السلام در این ارتباط بیان فرموده اند، خواهیم توانست برای بسیاری از سؤالات ذهنی خود پاسخ مناسبی یافته و به علل بعضی از مطالب پی ببریم: «ان العبد لیذنب الذنب فیحرم صلوة اللیل و یحرم الرزق و ما یدری من این حرم». ترجمه: همانا بنده ای گناهی را مرتکب می شود، خداوند به واسطه انجام آن گناه او را از اقامه نماز شب محروم می کند و با روزی خویش را از وی دریغ می نماید ولی او نمی داند این محرومیت به سبب چیست! (و چه بسا اگر دقت نماید و در وجود خویش تأمل کند، درمی یابد که این محرومیت ها به علت انجام گناهان و اکوذگی روح به زشتی ها ایجاد شده است.)

تشریف به درگاه حق شرایطی دارد. انجام گناه این شرایط را از انسان سلب می کند و او را به پایین ترین درجات حیوانیت تنزل می دهد.

محرومیت ها نیز مهلت مشخصی دارند و آن تا هنگامی است که امید بازگشت انسان به مسیر مستقیم وجود داشته باشد، اما اگر خدای نخواست انسان هتک حرمت کرد و خود راه بازگشت را بر خویش بست، آنگاه خدا نیز او را رها کرده و به حال خویش وامی گذارد. آیه قرآن نیز مؤید همین مطلب است: «ذرهم یا کفوا و یتمتعوا و یلههم الا مل فسوف یعلمون». ترجمه: ای رسول ما، آنان را به خورد و خوراک و لذات حیوانی خویش و گذارتا آمال دنیوی آنان را غافل گرداند و بزودی نتیجه این کامرانی بیهوده را خواهند یافت.

گاهی می بینیم کفار در عین کفر از امکانات مادی فراوانی بهره مند هستند و این مطلب برای بسیاری از کسانی که آگاهی کافی ندارند سؤال برانگیز است. در صورتی که اگر کمی دقت کنیم، می بینیم که آنها از همه چیز گذشته اند و قناعت به این دنیای

## عظمت، اهمیت و جلال شما در نزد پروردگار به همان میزانی است که دنیا در نظر شما کوچک و بی ارزش باشد.

بی ارزش کرده اند و رحمت خداوند اقتضا می کند که حداقل آنان که خود را به این جهان فروخته اند، همچون حیوانات از خوری پر برخوردار سازد.

شما مقامتان از این مطالب بالاتر است، شما می خواهید کسی باشید که با مبدأ وحی ارتباط برقرار نموده و با خداوند راز و نیاز می کنید، عرضه بدارید «اللهم اذقنی حلاوة صحبتك. اللهم اذقنی حلاوة مناجاتك و ما اعذب قلب حبك». ترجمه: خداوندا شیرینی و حلاوت محبت و مناجات خود را به من بچشان. پروردگارا تواز هر عیب و بدی منزه می، چقدر لذیذ است طعم قرب و نزدیکی تو و چه گواراست آب زلال محبت

دوستان، راه را گم نکنید و خودتان را به دنیا نغروید تا علوم مقام پیدا کنید و بتوانید به هر کجا که می روید آنجا را آماده کنید و حیاگر باشید.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام سؤال می شود: «من اروع للناس؟ من اعبد الناس؟ ومن زهد الناس؟» ترجمه: یا رسول الله از میان مردم کدامیک از همه متقی تر؟ کدامیک عابدتر؟ و کدام زاهدتر است؟ پاسخی که امام صادق علیه السلام می فرماید، همچون روایتی در عالم معنا می درخشد.

«اروع الناس من ترك المحارم و عبد الناس من اتى بواجبه و زهد الناس...» ترجمه: پرهیزگارترین مردم کسی است که معاصی را ترک نماید و عابدترین آنان کسی است که به واجبات عمل کند و زاهدترین افراد کسی است که به دنیا رغبت باشد.

گناه نکنید، به حساب عمر خود رسیدگی کنید و مواظبت کنید هیچ واجبی از شما ترک نشود. اینها قدم هایی است که انسان را صعود می دهد.

شیخ بهایی در این شعر چه زیبا می فرماید:

الی کم کالبهائتم انت هائم  
وفی وقت الغنائم انت نائم  
ای انسان تا کی مانند بهایم و لنگردی می کنی؟ و تا چند نسبت به اعمال و رفتار خود مراقبت نمی کنی؟ مگر تو در زمره بهایم هستی؟ مبادا هنگام توشه برداری خواب باشی و عمر گرانبهایت بیهوده تلف شود. ثلث آخر شب که دوستان خدا در خانه او را می زنند، از خواب برخیزید و این وقت از شب را غنیمت بدانید.

شهید اول رحمه الله تعالی علیه، یک سال شب ها تا به صبح نخوابید و گفت من می خواهم شب قدر را در بین این شبها بیابم و از خداوند حاجت بطلبم و موفق شد به حاجت خویش برسد و حاجتش را چنین عرضه داشت که پروردگارا، من چیزی ندارم که در راه تو هدیه کنم، جز این جان ناقابل، توفیق شهادت در راه خودت را نصیب من فرما و عاقبت نیز شهید شد.

از مرحوم شیخ محمد تقی مجلسی، پدر مرحوم محمد باقر مجلسی صاحب بحار الانوار نقل می کنند که نزدیک اذان صبح آخر نماز شب او بود. مشغول دعای قنوت وتر بود و با خدای خویش چنین مناجات می کرد: «هذا مقام العائذ بك من النار» این

## هر چه دنیا در نظر شما کوچکتر باشد، شما در پیشگاه خداوند بزرگترید.

مقام کسی است که از آتش جهنم به توبانه آورده است.

خود قنوت عظمت بسیاری دارد به گونه ای که در روایت آمده است: «افضلکم قنوتاً فی الدنيا افضلکم استراحاً فی الآخرة» برترین شما از جهت قنوت در دنیا، راحت ترین شما در آخرت است.

جمله معروف «هذا مقام العائذ بك من النار» در قنوت نماز وتر نیز مطلب مهمی است که سفارش شده است انسان هفت مرتبه آن را تکرار کند و با خالق خویش چنین نجوا کند که: خداوندا، در خلوت

شب که همه در خوابند، من آمده ام تا حاجت خود را از تو بخواهم و آن این است که بدن من طاقت آتش جهنم تو را ندارد مبادا مرا به آتش قهر خود بسوزانی. و ما امیدواریم که خداوند بواسطه این مناجات ها از همه ما درگذرد و قلم غفور بر جرایم اعمال ما بکشد.

پاورقی ها:

۱- سوره بقره آیه ۱۳۸.

۲- سوره فاطر آیه ۲۷.

۳- سوره روم آیه ۲۲.

۴- سوره فاطر آیه ۲۸.

۵- الدنيا سجن المؤمن - دنیا زندان مؤمن است. (حدیث).

۶- كان لی اخ فی الله و كان یظمه فی عینی صغر الدنيا فی عینی - اگر در این حدیث «كان» را بمعنی «یکون» تلقی کنیم مفهوم آن چنین می شود که برای من برادری ایمانی وجود دارد که نزد من بسیار عزیز و بزرگوارند چون دنیا در نظر آنان حقیر و کوچک است.

۷- سوره کهف آیه ۳.

